



یادگار جشن هزاره ابوعلی سینا

آرامگاه ابوعلی سینا

سلسله اشعارت بجهن نامرئی

ترجمه فارسی

اشعار و تنبیها

تصنیف

شیخ رئیس ابوعلی سینا

بامقدمه و حواشی و تصحیح

دکتر احسان یارشاطر

استاد دانشگاه

تهران ۱۳۳۲ شمسی - ۱۳۷۳ قمری

سرشناسه	این سینا، حسین بن عبدالله، ۳۷۰ - ۴۲۸ ق.
عنوان قرارداد	Avicenna
عنوان و نام پدیدآور	الإشارات و التنبیهات. فارسی
مشخصات نشر	اشارات و تنبیهات/ تألیف ابوعلی سینا؛ مقدمه و تصحیح احسان یارشاطر.
مشخصات ظاهری	تهران: آینده دانش، ۱۳۹۵.
شابک	۳۲۸ص.
وضعیت فهرست نویسی	978-600-8231-24-
یادداشت	فینا
موضوع	کتابنامه.
موضوع	فلسفه اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	Islamic philosophy -- Early works to 20th century
موضوع	منطق -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	Logic, Ancient -- Early works to 20th century
موضوع	عرفان -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	Mysticism -- Early works to 20th century
موضوع	تاریخ طبیعی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	Natural history -- Early works to 20th century
شناسه افزوده	یارشاطر، احسان، ۱۲۹۹ - ۱۳۹۷.
شناسه افزوده	Yarshater, Ehsan
رده بندی کنگره	۱۳۹۵ ۲۱/۴۱۳BBR
رده بندی دیویی	۱/۱۸۹
شماره کتابشناسی ملی	۴۵۲۹۲۶۶

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و نشریات است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریوگرافی، تهیه فایل های pdf لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ ها، سایت ها، مجله ها، کتاب، مجله، جاز، بی اثر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می باشد.

عنوان کتاب : اشارات و تنبیهات

تألیف : ابوعلی سینا

مقدمه و تصحیح احسان یارشاطر

ناشر : انتشارات آینده دانش

چاپ : اول

تاریخ چاپ : ۱۳۹۷

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مولفان است

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

بها ۴۵۰۰۰۰ ریال

انتشارات آینده دانش

خیابان انقلاب - خیابان اردیبهشت - خیابان لبافی نرژاد پلاک ۲۴۸

۰۲۱۶۶۴۹۷۱۱۶

۰۲۱۶۶۴۰۴۴۰۱

فروشگاه اینترنتی : www.asanketab.com

فهرست مطالب

۱ = مقدمه

صفحه	عنوان
۲	شیوه فلسفی ابن سینا در کتاب اشارات
۳	پژوهش‌های ابن سینا
۸	عرفان ابن سینا
۹	مراحل سلوك عرفانی
۱۱	احوال عارفان
۱۲	خوارق عادات
۱۷	ترجمه فارسی اشارات
۱۸	مقایسه ترجمه اشارات با متن عربی
۱۹	نشر ترجمه اشارات
۲۲	اصطلاحات فارسی ترجمه اشارات
۲۳	خواص صرفی و نحوی
۲۵	خواص کتابی
۲۷	نسخ ترجمه اشارات
۲۷	اختلاف نسخ ترجمه اشارات
۲۹	مترجم اشارات یک نفر است
۳۳	مترجم اشارات
۳۶	چگونگی طبع کتاب

۲ = منطق

برای یافتن مطالب خاص در منطق باید بفهرست اصطلاحات منطق صفحه ۲۸۹ و بعد رجوع نمود

النهج الاول

۲

النهج الثاني : في الخمسة المفردة و في الحدّ والرسم ۱۲

النهج الثالث : في تركيب الخبری ۱۹

النهج الرابع : في مواد القضايا وجهاتها ۲۹

النهج الخامس : كلام الكلى في التناقض ۴۱

النهج السادس ۵۲

النهج السابع : في مبروع في التركيب الثاني للحجج ۶۱

النهج الثامن : في القياسات الشرطية و في توابع القياس ۷۴

النهج التاسع : فيه بيان بقليل للعلوم البرهانية ۷۸

۳ = منطق

النمط الاول : في تجوهر الاجسام ۸۹

النمط الثاني : في الجهات و اجسامها الارضى و الثابتة ۱۱۳

النمط الثالث : في النفوس الارضية و السماوية ۱۳۳

تكملة النهج : بذکر حرکات عن النفس ۱۵۸

النمط الرابع : في الوجود و علله ۱۶۴

النمط الخامس : في الصنع والابداع ۱۷۸

النمط السادس : في الغايات و مبادئها و في الترتيب ۱۹۴

النمط السابع : في التجريد ۲۱۶

النمط الثامن : في البهجة والسعادة ۲۳۶

- ۲۴۷ النمط التاسع : فی مقامات العارفین
 ۲۵۸ النمط العاشر : فی اسرا الآیات
 ۲۷۹ اضافات و تصحیحات

۴ = فہارس

- ۲۸۹ فہرست اصطلاحات منطق
 ۲۹۵ فہرست اصطلاحات حکمت
 ۲۹۷ فہرست اصطلاحات فارسی (بر حسب کلمات فارسی)
 ۳۱۱ فہرست اصطلاحات فارسی (بر حسب کلمات عربی)
 ۳۲۶ فہرست لغات دس زبان عربی
 ۳۲۷ فہرست اسماء اعلام
 ۳۲۹ غلط نامہ
 ۳۳۰ فہرست مطالب کتاب

بنام خدا

مقدمه

آنکس است اهل بشارت که اشارت دادند
نکته ماهست بسی، محرم اسرار کجاست؟
«حافظ»

کتاب حاضر ترجمه فارسی کتاب **الاشارات والتنبیها** تألیف
شیخ الرئيس ابوعلی حسین بن عبد الله بن سینا است که بدست **عبد السلام بن
محمد دبیر احمد الفارسی**، محتملاً در قرن هفتم هجری، انجام یافته؛
و این نیزین بار است که متن کامل آن باهتمام انجمن محترم آثار ملی
انتشار می یابد.

کتاب **الاشارات والتنبیها** آخرین تألیف مهم ابن سینا است که بدست
ما رسیده و نمودار آراء فلسفی او در سالهای آخر عمر است، و از اینرو
در شناختن سیر فکری و معنوی او بسیار مقامی خاص دارد.

این کتاب مشتمل بر دو جزء است: **منطق و حکمت**، متن عربی آن
فصیح و موجز است، و چنانکه نام آن گواهی میدهد ابن سینا در آن از تفصیل
دوری جسته و در بیان مطالب باشاره و تنبیهی اکتفا کرده است. از اینرو
فهم مسائل آن همیشه آسان نیست. شروح و حواشی متعددی نیز که
براین کتاب نوشته شده گواه بر این معنی است (۱).

آنچه کتاب **الاشارات** را در میان آثار معتبر ابن سینا امتیاز خاص می بخشد
فصول آخر آن است که در آنها شیخ بذکر مبادی عرفانی و مقامات و کرامات

(۱) برای اطلاع بر این شروح و حواشی رجوع شود به «فهرست آثار ابن سینا» تألیف

دکتر یحیی مهدوی (تهران، ۱۳۳۳) صفحات ۳۸-۳۲

عارفان و تعلیل « امور غریبه »، چون سحر و معجزه و طلسم و نیرنگ، پرداخته است.

ابن سینا، چنانکه پوشیده نیست، پیروی از ارسطو
شیوة فلسفی ابن سینا و فلاسفه مشاء و تبعیت از شیوة ایشان مشهور است،
در کتاب اشارات

و از اصحاب منطق و استدلال شمرده میشود. از اینرو
توجه وی به عالم عارفان و قبول مبادی صوفیان در بادی امر منافی شهرت
و نام او نمیرسد، و چنین مینماید که ابن سینا در سیر معنوی خود بتدریج
از روش فلاسفه مشاء دور شده و بروش پیروان افلاطون، خاصه فلوطین و
حکمای مکتب اسکندریه، نزدیک گردیده است.

اما در قبور این معنی باید در نظر داشت که فلسفه‌ای که مسلمین بنام
فلسفه مشاء می‌شناسند اصولاً آمیزشی از فلسفه استدلالی ارسطو و فلسفه
اشراقی افلاطون و پیروان او بود و یاری از شارحان کتب ارسطو که آثار
آنها به عربی ترجمه شد و در دسترس مسلمانان قرار گرفت بمکتب حکمای
اسکندریه تعلق داشتند. ابن سینا نیز از همان نخست بسیاری از آراء این
حکما را بنام فلسفه مشاء پذیرفت، چنانکه عتبات ابن سینا درباره خلقت
که در همه آثار وی دیده میشود، و مبتنی بر تبعات موجودات از طریق
« تجلی » است، اصولاً مقتبس از آراء فلوطین پیشوا حکمای مکتب
اسکندریه است، نه ارسطو.

کتاب اثولوجیا^(۱) که بنام یکی از آثار ارسطو توسط عبدالملک بن
نعیمه الحمصی به عربی ترجمه شد و یعقوب بن اسحق الکندی آنرا تهذیب
کرد و در دسترس استفاده مسلمین قرار داد، در حقیقت مخلوطی است از آثار

فلوطين و فروریوس^(۱) که توسط یکی از مؤلفین سریانی در قرن ششم میلادی تألیف گردیده^(۲).

بنابراین، عرفان افلاطونی چندانکه بنظر میرسد اصولاً از فلسفه ابن سینا دور نیست. اما این نیز محتمل است که ابن سینا در طی سیر معنوی خود بیش از پیش بحکمت عرفانی نزدیک شده باشد. این راهی است که بسیاری از فیلسوفان و منکران سپرده اند. فصول آخر اشارات این احتمال را قوت می بخشد.

پژوهندگان ابن سینا بی شک از فلاسفه ای نبوده است که پای بند میراث گذشتگان بماند و تنها باخذ و اقتباس قانع باشد. با آنکه در اصول پایه به میراث فلسفی یونان وفادار ماند، در فروع صاحب اجتهاد بود، و در بسیاری از مسائل با پیروان ارسطو اختلاف یافت. در مقدمه حکمة المشرفیین، که با وجود اختصارش باید از آثار رفیع و گرانبهای ابن سینا شمرده شود، هم حائز این کوشش و جستجو و استقلال رأی آشکار است. چنانکه از این هدمه پیداست، در بسیاری از امور ابن سینا پیوسته باختلاف نظر خویش با فلاسفه پیشین که پیروی آنان شهرت داشته آگاه بوده است، اما جدائی افکندن و راه نفاق سپردن را روا نمی شمرد. از اینرو در کتبی که برای عامه طالع فلسفه

Porphyrios de Tyros (۱)

(۲) رجوع شود بمقدمه Livre des directives et remarques (ترجمه اشارات بزبان فرانسه) توسط A.M. Goichon، پاریس ۱۹۵۱، صفحه ۱۰ که از مقاله M.L. Gardet بنام Quelques aspects de la pensée avicennien dans ses rapports avec l'orthodoxie musulmane در Revue thomiste (۱۹۳۹) نقل میکند.

تألیف کرد از انتقاد فلسفه یونانی عموماً باز ایستاد و در بیان خطایای ایشان باغماض گرائید.

اما عاقبت بر آن شد تا کتابی در بیان آراء خاص خویش برای کسانی که با سیر فکری وی همراه بودند تألیف کند. در این باب خود چنین میگوید: (۱)
 «همت ما را بر آن داشت تا کلامی در آنچه اهل بحث در آن اختلاف یافته اند گرد آوریم، و در آن بجانب تعصب و هوی و عادت و الفت نگرانیم، را بر با آنچه متعلمان کتب یونانیان از غفلت و کوتاهی فهم بآن انس گرفته اند، اختلافی پیدا کنیم باک نداریم، و نیز ترسیم اگر چیزی اظهار کنیم جز آنچه که در کتب معتبره برای عامه متفلسفه نوشته ایم آورده ایم. عامه ای که فریفته حکمای مشاء اند، گمان دارند که خداوند جز آنان کسی را هدایت نکرده، و جز ایشان کسی را رحمت خداوند نرسیده است. با آنکه ما بفضل فاضلترین سلف این حکما (ارسطو) معتزفیم، و میدانیم که وی در آگاهی بر آنچه اصحاب و استادان وی در میان داشتند، و در تمیز اقسام دانشها، و ترتیب علوم بنحوی بهتر از دیگران، و در ادراک حقایق در بسیاری از چیزها... از پیشینیان برتر بود، حق آن بود که آیندگان اگر اشتقاقی در سخن وی دیدند بسامان آرند و اگر خللی در بنای وی یافتند مرمت کنند، و اصول

(۱) متن عربی اینست: « فقد نزعنا الیه بنا الی أن نجعل کلاماً فیما اختلف اهل البحث فیہ، لا نلتفت فیہ لفتة عصبیة او هوی او عادة او ألف، ولا نبالی من مفارقة تظہر منا لما ألفه متعلمو کتب الیونانیین إلفاً عن غفلة و قلة فهم، و لما سمع منا فی کتب الفناها للمایین من المتفلسفة المشوفین بالمشائین الظاتین ان الله لم یهد الا ایتاهم، و لم یزل رحمته سواهم، مع اعتراف منا بفضل افضل سلفهم فی تنبیہ لمانام عنه ذروه و استاذوه، و فی تمیزه اقسام العلوم بعضها عن بعض، و فی ترتیبه العلوم خیراً مما رتبوه، و فی ادراک الحق فی کثیر من الاشیاء... و یحق علی من بعده ان یتلوا شعثه، و یرموا تلماً یجدونه فیما بناه، و یرفعوا اصولاً

وی را بسط دهند . اما آنانکه پس از وی آمدند نتوانستند خود را از عهدۀ آنچه از وی وارث برده بودند بیرون برند ، و عمرشان در فهم آنچه ارسطو نیک دریافته بود و تعصب بر آنچه وی درست دریافته بود سپری شد ، و یای بند گذشته ماندند ، و فرصتی برای رجوع بعقل خویش نیافتند ، و اگر چنین فرصتی دست داد ، جایز ندانستند آنرا در افزایش و اصلاح و تنقیح سخن پیش‌نویان بکار برند .

ولیکن ما چون بسخن آنان پرداختیم ، از همان آغاز فهم سخنان ایشان بر ما آسان شد ، و بسا که از منابع غیریونانی نیز علم آموختیم . آن زمان که ما با این گروه زدیم آغاز جوانی ما بود ، و خداوند مدتی را که برای دریافت سخن گذشته‌گان لازم بود بر ما کوتاه کرد . آنگاه اینهمه را حرف بحرف با علمی که پیش‌نویان « منطق » می‌نامند - و دور نیست که نزد مشرقیان نامی دیگر داشته باشد - برابر نهادیم ، و آنچه با این میزان سازگار یا مغایر بود بازشناختیم ، و وجه هر چیز را جستجو کردیم ، تا حق از باطل آشکار شد .

اعطاء . فما قدر من بعده على ان يفرغ نفسه عن عهدة ما ورثه ، رزمت عمره في تفهم ما احسن فيه ، والتعصب لبعض ما فرط من تقصيره ، فهو مشغول عندنا بما لطف ، ليس له مهلة يراجع فيها عقله . ولو وجدها ما استحل ان يضع ما قاله الاوتلون مرسعاً للمفتقر الى مزيد عليه او اصلاح له او تنقيح اياه .

واما نحن ، فسهل علينا التفهم لما قالوه اول ما اشتغلنا به ، ولا يبعد ان يكون قد وقع اليينا من غير جهة اليونانيين علوم . وكان الزمان الذي اشتغلنا فيه بذلك ريعان الحدانة ، ووجدنا من توفيق الله ما قصر علينا بسببه مدة التفتن لما اورثوه . ثم قابلنا جميع ذلك بالذهاب من العلم الذي يسميه اليونانيون « المنطق » - ولا يبعد ان يكون عند المشرقيين اسم غيره - حرفاً حرفاً ، فوقفنا على ما تقابل وعلى ما عصى ، وطلبنا لكل شيء وجهه ، فحق ما حق وزاف ما زاف .

«اما چون آنان که در کار علم بودند سخت هوادار حکمای مشاء یونانی بودند، جدا رفتن و جز همگان گفتن را نیک ندانستیم، و جانب ایشان را گرفتیم، و باین حکما که بیش از همه فرق یونان در خور تعصب بودند تعصب ورزیدیم. و آنچه را ایشان طلب کردند اما در آن درماندند و خرد ایشان بآن راه نیافت تکمیل کردیم، و از زلتهای ایشان چشم پوشیدیم، و برای آنها وجه و مخرجی ترتیب دادیم، و حال آنکه خود بر عیب آن آگاه بودیم. و مخالفت آشکار کردیم تنها در اموری بود که صبر بر آن امکان نداشت، و الا بیشتر طاعن را در پرده تغافل پوشیدیم.

«ببین بهال بعضی مسائل چنان بود که در روز روشن شك می کردند و در این امور بلك نداشتند. از اینرو کراحت داشتیم اینان بر مخالفت ما در اینگونه امور آگاه بودند... و بصحبت خشک خردانی دچار شدیم که تعمق در فکر را بدعت و محالفت با مشهور را ضلالت می شمردند...

«و چون حال بدین روی بود، شائق شدیم تا کتابی حادی امهات علم حقیقی گرد آوریم، و آن استنباط کسی است که بسیار اندیشه کرده و درست تأمل نموده و از جودت حدس نیز دور نبوده است...

ولما كان المشتغلون بالعلم شديدي الاعتناء الى المشائين من اليونانيين، كرهنا شق العصا ومخالفة الجمهور، فانحزنا اليهم وتعصبنا للمشائين، اذ كانوا يرمونهم بالتعصب لهم، واكملنا ما ارادوه وقصروا فيه ولم يبلغوا اربهم منه، واغضينا من تخبطوا فيه وجعلنا له وجهاً ومخرجاً، ونحن بدخلته شاعرون وعلى ظله واقفون. فان جاهرنا بمخالفتهم ففى الشئ الذى لم يمكن الصبر عليه، واما الكثير فقد غطيناه باغطية التغافل. فمن جملة ذلك ما كرهنا ان يقف الجهال على مخالفة ما هو عندهم من الشهرة بحيث لا يشكون فيه ويشكون فى النهار الواضح... فقد بلينا برفقة منهم عارى الفهم كأنهم خشب مسندة، يرون التعمق فى النظر بدعة ومخالفة المشهور ضلالة...

ولما كانت الصورة هذه والقضية على هذه الجملة، احببنا ان نجتمع كتاباً يحتوى على امهات العلم الحق الذى استنبطه من نظر كثير وفكر ملياً ولم يكن من جودة الحدس بعيداً...

« این کتاب را تنها برای خود - یعنی آنانکه چون خود ما هستند - کرد آورديم . اما برای عامه کسانی که با حکمت سروکار دارند در کتاب شفا بیش از آنچه حاجت ایشان است فراهم ساخته ایم ، و بزودی در کتاب اللواحق نیز از آنچه درخور ایشان است ، بیش از آنچه تا کنون دیده اند ، خواهیم آورد ... »

از اینهمه پیداست که ابن سینا با گذشت زمان استقلال رأی و جدائی اندیشش در باطن نیرو گرفته ، تا آنجا که ویرا بتألیف کتابی در بیان آراء خاص خویش برانگیخته است .

از کتاب حکمت اشراق شرقیین متأسفانه جز مقدمه و منطق هنوز چیزی یافت نشده . کتاب الادب نیز که ابن سینا در حکمت میان مشرقیین و مغربیین و بیان آراء خویش تألیف نموده بود در حیات مؤلف در هزیمتی از میان رفت . اما کتاب اشارات باقی است و در میان آثار عمده ابن سینا بیش از هر اثر دیگری معرف آراء نهائی اوست .

هر چند در کتاب اشارات ، ابن سینا مدعی است که فلسفه یونان یا حکم میان مشرقیین و مغربیین نیست ، ولی استقلال رأی وی را با آن نمی توان دریافت . عقاید باطل را غالباً زیر عنوان « وهم » ذکر می کند و موارد خلاف را پیش می کشد و بر آنچه در نظری طریق صواب است برهان می آورد و غالباً خواننده را از پیروی آراء باطل بعضی فیلسوفان پیشین یا متفلسفان معاصر بر حذر میدارد .

وما جمنا هذا الكتاب لنظهره الا لانفسنا - اعني الذين يقومون مقام انفسنا . واما العامة من مزاوولي هذا الشأن فقد اعطينا في كتاب الشفاء ما هو كثير لهم وفوق حاجتهم ، وسنعطيه في اللواحق ما يصلح لهم زيادة على ما اخذوه منطق المشرقیین ، طبع قاہرہ ،